

شنبه • ۳۱ خرداد ۱۳۹۳ • سال یازدهم • شماره ۲۰۴۴ • ۷

شرق

روزنامه

سیاست • ورزش

ترکیب آرزانتین با ایران را «می» می‌چیند؟	صفحه ۸
اتحاد برای ملاقات بزرگ	صفحه ۸
صداوسیما از رویکرد جناحی برهیز کند	صفحه ۱۰

گفت‌وگو
شجاعی کیاسری از احتمال افزایش سطح نظارت مجلس بر رادیو و تلویزیون خبر داد امکان کار ت‌زرد مجلس به صداوسیما تهنیه‌توس

صداوسیما سالیان گذشته بدون نظارت از سوی مجلس و دیگر دستگاه‌ها فعالیت کرده و ماحصل آن وضعیتی شده که کمتر پسن‌دیده سازمانی با نام و عنوان «سیمی ملی» است. شاید بیش از هر چیز روند پوشش مناظره‌ها در انتخابات ۸۸، اعلام برخی اتهامات از سوی افرادی به افراد دیگر از این تریبون و عدم واکنش و مدیریت این امر از سوی صداوسیما، این مساله را جدی کرد هر چند در سال‌های پیش از آن نیز نسبت به برخی نگرش‌های جناحی انتقاداتی وجود داشت.
بعدتر روی آوردن مردم به ماهواره به‌جای پیگیری برنامه‌های داخلی، نگرانی‌ها را افزایش داد. رمضان شجاعی کیاسری، نایب‌رییس شورای نظارت مجلس بر صداوسیما در گفت‌وگو با «شرق» از تلاش مجلس برای نظارت بر این سازمان خبر می‌دهد. بر این اساس نه‌تنها کار ت‌زرد در چندندمی رییس صداوسیما خواهد بود که امکان حضور رییس سازمان در مجلس و سوال نمایندگان از او نیز مهیا خواهد شد. همه این اختیارات نظارتی به تصویب طرح نظارت بر صداوسیما در مجلس بستگی دارد؛ طرحی که حالا در نوبت صحن علنی قرار گرفته و می‌تواند نخستین تحول جدی برای بررسی و نظارت برنامه‌های این سازمان به شمار آید.

❧ طرح یک‌فرویتی نظارت بر اداره صداوسیما به کجا رسیده؟
بررسی طرح یک‌فرویتی نظارت بر اداره صداوسیما در کمیسیون فرهنگی نهایی شده و طرح در نوبت رسیدگی در صحن علنی مجلس قرار دارد، در صورت تصویب نهایی این طرح از این پس شورای نظارت بر صداوسیما در مجلس می‌تواند در حوزه اختیارات قانونی خود از رییس سازمان سوال کند و در صورت قانع‌نشدن دوسوم اعضا، گزارش موضوع به دفتر مقام‌معظم‌رهبری ارسال می‌شود.



❧ یعنی همان ماجرای که برای وزرا وجود دارد برای رییس سازمان هم در نظر گرفته می‌شود؟

بله، البته با کمی تغییرات. مساله ما این است که از وزیر گرفته تا دیگر مسئولان کشور امکان نظارت و گفت‌وگو مهیاست اما در مورد حیطه وظایف رییس صداوسیما مجلس به عنوان بازوی تقنینی- نظارتی هیچ نقشی ایفا نمی‌کند که حالا پس از تصویب این طرح امیدواریم دستمان برای نظارت بر فعالیت صداوسیما باز شود.

❧ آن وقت شکل سوال و جواب چطور می‌شود، یعنی رییس صداوسیما باید به صحن بیاید و پاسخگوی نمایندگان باشد؟

بله، در طرح پیش‌بینی شده تا بتوانیم از رییس صداوسیما سوال کرده و در صورت عدم‌رضایت نمایندگان به رییس صداوسیما کار ت‌زرد بدهیم. این کار ت‌زرد به معنای اخلال است. به هر حال دست نماینده برای نقد بیست‌های صداوسیما با قوانین حاضر بسته است، ولی می‌تسیم سازمان صداوسیما رسانه ملی است و دربرگیرنده نظرات تمامی افکار و عقاید جامعه باید باشد اما در حال حاضر این سازمان از رسانه ملی به حد یک تریبون برای یک جناح تبدیل شده است. این رسانه خود را در برابر هیچ‌یک از قوای سه‌گانه پاسخگو نمی‌داند اما خوشبختانه این طرح مدیریت رسانه ملی را وادار می‌کند که در برابر مجلس پاسخگو باشد.

❧ آقای مطهری جایی گفته بودند که شورای نظارت بر صداوسیما قدرت اجرایی ندارد و عمل‌کاری از پیش نمی‌برد.

حرف ایشان در شرایط کنونی درست است، یعنی ما ابزار قانونی برای نظارت بر صداوسیما نداریم اما اگر بتوانیم این ابزار قانونی را در صحن مصوب کنیم، می‌توانیم بر رفتار مدیران صداوسیما نظارت داشته باشیم. **❧ چقدر به تصویب طرح پیشنهادی در صحن علنی امیدواریم؟** خیلی، همه نمایندگان از هر طیف و گروه فکری مایل به افزایش سطح کیفی برنامه صداوسیما هستند و از کیفیت پایین برنامه‌ها و عدم نظارت بر صداوسیما گله دارند. نکته اینکه در حال حاضر و در فقدان قوانین رییس صداوسیما به هیچ‌یک از سران سه‌قوه پاسخگو نیست و برای هر مدیری با این سرحد اختیارات شبیه‌هایی به وجود می‌آید.

❧ پیشنهاد تأسیس شبکه‌های خصوصی به کجا رسید؟
این پیشنهاد در کمیسیون رد شد.

❧ یعنی ما چرا به کل منتفی است؟

خیر، بنا داریم در نوبت صحن بار دیگر مساله را مطرح کنیم. در این طرح شبکه‌های خصوصی می‌توانند با مجوز صداوسیما تأسیس شوند و تولید برنامه‌ها و پخش آن تحت نظارت صداوسیما باشد.

به این ترتیب از یکسو ممیزی و اجازه پخش برنامه‌های شبکه‌های خصوصی در اختیار صداوسیماست اما در همین حال برای بررسی محتوای برنامه‌ها، صداوسیما وجهی دریافت نمی‌کند. اما اگر بخواهد برنامه‌های تولیدی شرکت‌ها یا شبکه‌های خصوصی را پخش کند، در قبال آن هزینه پخش‌ی را دریافت می‌کند.

ادامه در صفحه ۱۰

نگاه

رویکرد تقابل
حسین سخندان

از روزهای پس از انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم تا به امروز، صداوسیما رویکردی متفاوت از آنچه در طی هشت‌سال پیش از آن در زمان دولت محمود احمدی‌نژاد داشت در پیش گرفته است؛ سیاستی که بیشتر از آنکه به حمایت از دولت نوبای حسن روحانی بپردازد و آن را در ساختن میراث نایسامان هشت‌سال حاکمیت اصولگرایان یاری برساند، فضاسازی علیه دولت را ترجیح داده است. البته پیش از آن و در زمان تبلیغات انتخاباتی هم این نهاد، با شیوه پوشش خبری خود از برنامه‌ها و تبلیغات دو کاندیدای غیراصولگر، یعنی حسن روحانی و محمدرضا عارف، تلویحا تداوم موضع خود و اصرار بر روش همیشگی را با رویکرد نسبت به این دو نامزد انتخابات بیان کرده بود.

اما پس از انتخابات درحالی‌که انتظار می‌رفت این رسانه به‌جای پرداختن سه گرایش‌های سیاسی مورد حمایت خود، به دولت برای گذر از شرایط نگران‌کننده کشور یاری برساند اما روش‌هایی معکوس و قبلا امتحان شده، بار دیگر در دستور کار قرار گرفته است؛ برنامه‌هایی چون «اینش» و «مناظره» به‌همراه رپرتاژهای متعدد خبری در بخش‌های مختلف و گزارش‌های هدفمند، شرایط کشور را به‌گونه‌ای ترسیم می‌کنند که گویی عمده مشکلات کشور ناشی از عملکرد چندماه گذشته است و ۷۰۰میلیارددلار درآمد نفت در دوران احمدی‌نژاد، همگی صرف توسعه کشور شده است.

این رسانه بی‌توجه به جایگاه ملی خود، تداوم تضعیف رقبای سیاسی اصولگرایان و تربیون‌نداشتن آنان را دنبال می‌کند. نکته جالب توجه اینکه در این میان شخصیت‌های بزرگ کشور نظیر آیت‌الله هاشمی نیز در امان نیستند و اساس آن زیر سوال است، شأن و جایگاه این بزرگان یا حداقل پرداخت حرفه‌ای به مواضع آنان را از یاد برده است.

جالب‌تر از آن اینکه درست در همین ایام، یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های روحانی اصولگرا سخنانی خاص پیرامون «بت آزادی» و رابطه آن با اسلام بیان کرد که از زوایای مختلف، شباهیرانگیز بود. صداوسیما بدون هیچ توجهی از این سخنان گذشت و ترجیح داد باب نقد و نقادی چنین دیدگاه‌هایی را همچنان –حتی در برنامه‌های تخصصی مثلادر شبکه ۴- همچنان بسته نگه دارد.

برقراری مساوات در جهت‌دهی به افکار عمومی دربراره دولت‌های مختلف، یکی از الزاماتی است که رسانه‌هایی مانند صداوسیما که ماهیت ملی دارند باید به آن پایبند باشند؛ این به آن معنا نیست که رسانه ملی پای به عرصه انتقاد از دولت‌ها نگذارد بلکه به این مفهوم است که اولاد در ایراد انتقادات مشای کارشناسی داشته باشد تا این شرایط در افکار عمومی ایجاد نشود که تمام مشکلات ناشی از عملکرد یک دولت یا یک نهاد است و دوم به مخالفان تفکر غالب مدیران صداوسیما هم اجازه داده شود که نظرانشان را روی آنتن بفرستند. ضرورت راه‌اندازی رسانه‌ها احساس می‌شود؛ زیرا دستیابی به هدف کاهش ضریب نفوذ ماهواره‌ها و عدم مراجعه به شبکه‌های بیگانه؛ در شرایط تک‌صدایی رسانه ملی امکان‌پذیر نیست.



عکس: گل‌آر اسفندیان

گفت‌وگو با عبدالله ناصری:

«صداوسیما» انفعالی عمل می‌کند

مجلات، سایت‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای، صداوسیما به نوعی بی‌رقیب بود اما الان میان ده‌ها رقیب محصور است که اتفاقا به واسطه عملکرد حرفه‌ای، مورد توجه مردم قرار دارند و شبکه‌های اجتماعی، خود به بزرگ‌ترین رسانه تبدیل شده‌اند. کارشناسانی مانند آقای آشنا بارها به این ریزش مخاطب اشاره کردند. چرا نسبت به این مساله احساس نگرانی دیده نمی‌شود؟

مدیریت کلان این رسانه، اینگونه که شما نگاه می‌کنید، نگاه نمی‌کند. آنها فکر می‌کنند اگر در گزارش خبری به موضوعی بپردازند افکار عمومی را تحت‌تأثیر قرار داده‌اند.

❧ اما رقیب بیکار ننشسته و اثر خود را گذاشته است.

بله؛ اما مدیران صداوسیما، آنچه دارایی خودشان است را نمی‌شناسند و این تلقی واقع‌بینانه را پیدا نمی‌کنند. آنها می‌گویند نه‌تنها در ایران که در منطقه و جهان عرب اثر گذار هستند. در دوره حمله آمریکا به عراق که مدتی تمام شبکه‌ها در این کشور قطع شد، فرستنده‌هایی که در نزدیکی مرز مسقطر شده بود، باعث می‌شد «العالم» در عراق دریافت شود. من در آن مقطع در خبرگزاری جمهوری اسلامی بودم و العالم در منطقه تا حدی جا افتاده بود و آنها هنوز هم تصور می‌کنند دوران تک‌صدایی شبکه‌های خبری، ماهواره است و تلقی این است که پرس‌توی و العالم همان برد را دارند در حالی‌که اصلا اینگونه نیست؛ تلویزیون در مقابل عملکرد شبکه‌های برون‌مرزی در این حوزه مانند الجزیره، العربیه، بی‌بی‌سی و یورونیوز کاملا جا افتاده است.

❧ سوالی که همیشه برای من مطرح بوده، این است که با وجود اینکه ما در «منبع» خبر حضور داریم، چرا همیشه مشغول پاتک خبری هستیم و اثری از «جریان سازی» رسانه‌ای در صداوسیما به چشم نمی‌خورد؟ حتی در مواقعی که صداوسیما تولیدکننده خبر است ناچار می‌شود به خبر بی‌بی‌سی فارسی و... پاتک بزند. این همه خبرنگار و گروه‌های خبری، چرا جریان‌سازی نمی‌کند؟

باید کارکرد رسانه به‌درستی شناخته شود. اگر باور مدرن و بر اساس تعریف علمی از ماهیت کار رسانه‌ای وجود نداشته باشد، حتما آنچه شما می‌گویید محقق نمی‌شود. با همین شرایط فعلی و بوروکراسی موجود، صداوسیما می‌تواند متفاوت عمل کند. در زمان حمله آمریکا به عراق در خبرگزاری جمهوری اسلامی، از کشورهای همسایه عراق خبرنگار با ملیت‌های مختلف بی‌ریا ایژنا سازماندهی کردم که یکی از مسئولان عالی نظام گفت چطور خبرنگاران شما به داخل عراق رفته‌اند و من توضیح دادم. این درحالی بود که صداوسیما مدت‌ها بود از وزارت خارجه می‌خواست به صورت رسمی خبرنگار اعزام کند و آمریکایی‌ها مخالفت می‌کردند. تجربه، آگاهی و سرعت عمل، ویژگی کار رسانه‌ای است و به دلیل فقدان این مولفه‌ها، صداوسیما انفعالی عمل کرده است. حتی در عرصه‌های داخلی گاهی سطح خود را به حد یک بولتن خبری پایین آورده و آنچنان در دام شایعات افتاده که خیلی برایش دردسر شده است. در دوره لاریجانی چند مساله از این جنس داشتند اما الان تعداد آن زیاد شده است. وقتی انگیزه سیاسی وجود داشته باشد، این اتفاقات هم رخ می‌دهد.

❧ با این وجود تک‌برنامه‌هایی بوده که نشان داده اگر این رسانه بخواهد، می‌تواند؛ برخی مناظره‌های معدود مثل مناظره دکتر اطاعت و زاکانی، صغرزاده و شریعتمداری، یا برنامه‌ای که در مورد سوال از احمدی‌نژاد میان علی مطهری و زارعی برگزار شد و ۷۵درصد از بینندگان آن برنامه خاص با مخاطب خاص، خواستار طرح سوال از احمدی‌نژاد شدند. به نظر شما می‌توان در پایان دوره ضراغی امیدوار بود این رویه تغییر کند؟

این کار طولانی و زمان بر است. امروز آنچنان صداوسیما و ذهنیت و نرم‌افزار تحت‌تأثیر دیوانسالاری درونی این سازمان است که هر مدیری بیاید و بخواهد به رسانه چالاک و سبک و اثر گذار فکر کند و پرداخت بدهی‌ها را انجام دهد سال‌ها کار نیاز دارد. همین مثالی که زدید نشان می‌دهد صداوسیما اگر ظرفیت ملی را بشناسد، می‌تواند خوب عمل کند اما مهم‌ترین لازمه آن، این است که مدیران با ذهنیت اشتباه در آن حاضر نباشند. واقعیت این است که صداوسیما دارای مزیت‌ها بسیاری است و در بدنه آن، نیروهای واقعا خلاق حضور دارند که ظرفیت کامل آنها به‌کار گرفته نمی‌شوند. امروز معتقدم اگر صداوسیما و مسئولان این رسانه، حتی شبکه‌های غربی و شرقی موفق را الگو قرار دهند از امروز بهتر عمل می‌کنند. اما نوع نگاه شبکه تلویزیونی المنار که متعلق به جریان اصیل حزب‌الله است که مورد احترام همه ماست را دنبال کنند و مانیفست مدیریتی و خبری المنار را الگو قرار دهند. از امروز بهتر عمل می‌کند. در سال‌های اخیر صداوسیما به سمت باشگاه رسانه‌ای جناحی رفته و امروز هم آنچنان دیوانسالاری قدرتمند دارد و در برخی بخش‌ها بدنه همسو در آن شکل داده شده است که کار برای رییس بعدی اگر از جنس رسانه باشد، واقعا دشوار شده است.

فشاریم. خب دو سال از عمر دولت احمدی‌نژاد گذشته بود و همچنان تبلیغات زیادی روی او صورت می‌گرفت. ضراغی گفت در همین قضیه استغفای آقای لاریجانی، دوروز است از دولت و کابینه فشار می‌آورند تا من این موضوع را به‌عنوان «برکناری» اعلام کنم و من دست نگه‌داشته‌ام و می‌خواهم به عنوان «استعفا» در چارچوب خبری عادی اعلام شود و امشب می‌خواهم این کار را بکنم. به او گفتم اما ما در راه که می‌آمدیم اخبار ساعت ۱۰ رادیو پیام، خبر را مستقیم از طرف سخنگوی دولت آقای الهام و البته به عنوان «برکناری» اعلام کرد! ضراغی برآشف‌ت به اتاق دیگری رفت و یک‌ربع ما را تنها گذاشت و دوباره بازگشت. به هر حال این اتفاق در صداوسیما با رویه ایجادشده، اصلا عجیب نبود.

❧ در مورد مدیران بعد از لاریجانی در حوزه سیاسی، اطلاعی دارید؟
بله؛ مثلا در معاونت سیاسی، آقای آخوندی که سال ۶۳ در سازمان بود و چهره‌ای اخلاقی و فهمیده است و سیاسی نیست و عنصری تکنوکرات است و سال‌ها سابقه دارد، به جای رحمانی‌فضلی منصوب شد. البته به‌نظر من این هفت‌سال نشان داد که معاونت سیاسی به تنهایی تصمیم‌گیر نیست و حتی در فاصله سال‌های ۸۶ تا ۸۸ و پیش از اتفاقات انتخابات ریاست‌جمهوری دهم نیز مشی صداوسیما، همان بود که پس از انتخابات دیدیم. معاونت سیاسی دارای سه‌بخش مهم، تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی، پخش و واحدمرکزی‌خبر است. دو بخش پژوهش‌ها و واحد مرکزی خبر اساسا دارای سلسله‌مراتب دیگری هستند و تا امروز این روند برقرار است. پس در صداوسیمای امروز، جهت‌گیری‌ها خطی و جناحی‌تر شده است.

امروز آنچنان صداوسیما و ذهنیت و نرم‌افزار تحت‌تأثیر دیوانسالاری درونی این سازمان است که هر مدیری بیاید و بخواهد به رسانه چالاک و سبک و اثر گذار فکر کند و پرداخت بدهی‌ها را انجام دهد سال‌ها کار نیاز دارد. صداوسیما اگر ظرفیت ملی را بشناسد، می‌تواند خوب عمل کند اما مهم‌ترین لازمه آن، این است که مدیران با ذهنیت اشتباه در آن حاضر نباشند.
❧

❧ سعید ابوطالب به‌عنوان نماینده وقت مجلس و فردی که رسانه‌ای است، حمایت از احمدی‌نژاد را در دوره ۸۴ تا ۸۸ چند برابر ادوار قبل ارزیابی کرد. مدیری که یک‌سال است به کاری منصوب شده، نگران این نیست که تصویر غیر حرفه‌ای از عملکردش در بیرون انعکاس یابد؟

بینیک باید مدیر باید اعتمادبه‌نفس واقعی داشته باشد. آقای لاریجانی از این جهت دارای توانمندی‌هایی متفاوت بود. این تفاوت در ظرفیت‌ها به‌طور طبیعی وجود داشت و البته پس از سال ۸۴، برخی ذوق این را داشتند که فردی رییس‌جمهور شده و می‌گوید می‌خواهد همه گذشته را تغییر دهد پس همه نوع همکاری با وی شد و صداوسیما که از نظر توانمندی‌های مالی و سازمانی، به یک تشکیلات بزرگ تبدیل شده بود به کمک جریان اصولگرا آمد.

❧ در بدنه سازمان صداوسیما، بعضا انتقادهایی شنیده می‌شود. این مساله هم به حوزه سیاسی نسبت داده می‌شود.

بله در دوره آقای لاریجانی هم رویکرد سیاسی وجود داشت اما حداقل در حوزه‌های غیرسیاسی در بخش‌های اجتماعی، فرهنگی، هنری، برنامه‌های علمی و سرپال‌سازی، کارهای قابل‌دفاعی صورت گرفت. در جلسه‌ای که با ضراغی داشتیم به او گفتم جدای از کار سیاسی و خط و خطوط، چرا روشی در پیش گرفته شده که ظرفیت‌های علمی نیروهای جبهه اصلاحات نادیده گرفته شود. گفتم خانم دکتر اینکار فارغ از گرایش اصلاح‌طلبی، کارشناس مقبول ملی و جهانی در حوزه محیط‌زیست است و شما مردم را از این چهره‌ها یا آقای دکتر ستاری‌فر در حوزه برنامه‌ریزی و آقایان بی‌طرف و اردکانیان در بخش نیرو، محروم کرده‌اید.

❧ آن جلسه نتیجه‌ای هم داشت؟

او گفت من در خدمت‌م و هر زمان مشکلی پیش آمد، کافی است اطلاع دهید. دوروز بعد بود که طبق معمول گزارشی علیه آنچه «دوم‌خردادی‌ها» نامیده شد از ۲۰۳۰ پخش شد. حتی نگران استفاده از نام «اصلاح‌طلب» بودند. من به آقای آخوندی، معاون سیاسی زنگ زدم و گفتم از شما و رییس سازمان گله‌ای ندارم چون می‌دانم این گزارش از کجا آب می‌خورد. او هم معتزانه گفت که کلاما بر حوزه سیاسی مسلط است. امروز اگرچه شبکه‌های بسیار استانی و ملی در سازمان ایجاد شده اما درمورد مخاطب‌پذیری آمارهای جالبی وجود ندارد.

❧ در گذشته به‌واسطه نوع گیرنده‌ها و ارتباطات رسانه‌ای اعم از روزنامه‌ها



گفت‌وگو با عبدالله ناصری:
صداوسیما معمولاً یک پای ثابت نقدهای فعالان سیاسی است که از قضا این روزها، دامنه آن تا برخی اصولگرایان هم کشیده شده است. رسانه دولتی ایران که بودجه‌ای قابل توجه در اختیار دارد، در بخش‌های مختلف نتوانسته سایر فعالیت‌های روزنامه‌نگاری او، این مساله را ایفا کند. این مساله در حوزه سیاسی، بیش از پیش خود را نشان می‌دهد و بی‌طرف‌نبودن این رسانه، مباحث جدی را پیرامون چرایی آن در پی داشته است. عبدالله ناصری از اساتید دانشگاه و فعالان سیاسی اصلاح‌طلب، کارشناس باسابقه رسانه نیز به‌شمار می‌رود. حضور در مدیریت میانی صداوسیما در سال‌های ۶۰ تا ۶۳ و همچنین مدیرعاملی خبرگزاری جمهوری اسلامی در دوران اصلاحات در کنار سایر فعالیت‌های روزنامه‌نگاری او، این مساله را تأیید می‌کند. وی در گفت‌وگو با «شرق»، به دلایل کاستی‌های صداوسیما در حوزه‌های مختلف به‌ویژه بخش سیاسی پرداخت که در ادامه می‌آید.

❧ در این گفت‌وگو بنای ورود به موضوعاتی چون برنامه‌سازی و گسترش کمی و افزایش تعداد شبکه و البته کاهش سطح تولیدات و موضوعاتی چون به‌هکاری‌های قابل توجه صداوسیما را ندارم. وقتی ۱۰سال پیش ضراغی به صداوسیما آمد، سال پایانی دولت اصلاحات بود. به نظر می‌رسد به تدریج تفاوت‌هایی جدی با دوره مدیریت علی لاریجانی بر این رسانه ایجاد شد. برخی بخش‌های خبری اضافه شد که بعدها به این بخش‌ها، بخش‌هایی با مأموریت خاص اطلاق شد. از نقطه‌نظر سیاسی، در این مقطع ۱۰ساله چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با دوره پیش از آن وجود داشت؟

در ظاهر امر شاید خیلی تفاوت اساسی دیده نشود اما آنچه که خیلی می‌توان درباره آن به صراحت سخن گفت، کاهش سطح سیاسی و مباحث طرح‌شده در این حوزه مهم رسانه صداوسیما است. علت این است که آقای لاریجانی هر چند چهره‌ای اصولگرا و رویه تقابلی او با دولت اصلاحات مشهور بود، اما سطح فکری، سابقه و عقبه خانوادگی و اجتماعی و سیاسی وی به‌گونه‌ای بود که وی را نسبت به شرایط ۱۰سال اخیر، یک سرورگردن بالاتر قرار می‌داد. حتی نوع پرداخت صداوسیما به سیاست نیز در مقطع مدیریتی لاریجانی، با امروز تفاوت می‌کرد و بالاخره وقتی قرار بود سطح سیاسی سازمان را ارزیابی کنیم، می‌گفتیم این صداوسیمای آقای لاریجانی است و مدیریت‌هایی که در سطوح مختلف قرار می‌گرفتند نیز از همین قاعده پیروی می‌کردند و به‌عنوان نمونه آقای رحمانی‌فضلی، معاون سیاسی بود.

❧ البته ایشان هم معاون لاریجانی بود.

بله، البته آن هم با معادلات خاصی همراه بود و می‌دانیم در ساختار مدیریتی صداوسیما، اساسا معاونت مجلس و امور استان‌ها جایگاه اجرایی ندارد. در عین حال جمع‌بندی پس از آمدن ضراغی این بود مدیری که سطح متفاوت از لاریجانی داشت، مدنظر قرار گرفته و از این جهت هم دقیقا این اتفاق افتاد. مدیرانی که در عرصه‌های زیرمجموعه قرار گرفتند نیز تفاوت‌های جدی با دوران لاریجانی داشتند و افرادی که در آن مقطع مدیر بودند، شناخته‌شده‌تر بودند تا در دوره اخیر.

علی لاریجانی در مقطعی دیدگاه‌های نسبتا تند داشت اما با این وجود، حرف و تحلیل داشت و ارتباطات سیاسی اجتماعی او به این واسطه، با بسیاری دیگر از اصولگرایان قابل‌مقایسه نیست. او می‌توانست با جامعه اصلاح‌طلبان هم رابطه برقرار کند. پس با آمدن ضراغی، عرصه سیاسی سازمان ارتبخش‌تر شد در چارچوب نگه تازه‌ای که ایجاد شده بود و حضور نوع خاصی از تفکر که کمتر سیاسی بود و نگاه پایشی و مراقب‌گونه به این بخش داشت، جدی شد. آقای لاریجانی هر چند سیاسی‌تر و پیچیده‌تر بود، مدیر قدری بود اما ضراغی از این جهت دارای تفاوت‌های جدی با لاریجانی بود.

❧ خود شما به عنوان مدیرعامل «ایرنا» یا پس از آن، بر خوردی با ضراغی داشتید؟

در دوران اصلاحات خیر اما به خاطره‌ای اشاره می‌کنم. در سال ۸۶ که سخنگوی ائتلاف اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس هشتم بودم، ضراغی به ستاد ائتلاف پیام داد که بیا باید جلسه بگذاریم تا سهمی هم در صداوسیما برای اصلاح‌طلبان و نامزدهای آنان در نظر گرفته شود. به اتفاق آقای بیطرف که به‌نحوی قائم‌مقام ستاد بود و آقای مرعشی که مسوول پشتیبانی ستاد و رییس ستاد تهران بود به این جلسه رفتیم. درست مقارن با همان روزهایی بود که آقای لاریجانی توسط احمدی‌نژاد از شورایعالی امنیت ملی برکنار شده بود. ضراغی پیش از آغاز جدی مباحث گفت از سوی هر دو گروه سیاسی تحت